

ترجمه و تاریخ^۱

مرضیه ملک‌شاهی
دانشگاه دامغان

از جمله تازه‌ترین کتاب‌ها در زمینه تاریخ ترجمه کتاب ترجمه و تاریخ (۲۰۲۲) اثر تئو هرمانز است که در آن هرمانز با بهره‌گیری از مثال‌ها و مطالعات موردی روشنگر به طرح و بررسی بنیادی‌ترین مسائل و پرسش‌های حوزه تاریخ ترجمه می‌پردازد. لاینا هلر در توصیف کتاب می‌گوید: «تئو هرمانز کتابی نوشته‌است که به دنبال شکوفایی اخیر تاریخ‌نگاری در مطالعات ترجمه و چرخش ترجمه‌ای در علوم انسانی سخت به آن نیاز مندیم».

پژوهش تاریخی از حوزه‌های نسبتاً نو در رشته مطالعات ترجمه است که در دهه‌های اخیر توجه بیشتری به آن معطوف شده است و نظریه‌پردازان و پژوهشگران متعددی با پیشنهاد و ترویج رویکردهای مختلف تاریخ‌نگاری به غنی‌سازی آن پرداخته‌اند. اگرچه بخش مهمی از پژوهش‌های مربوط به نظریه ترجمه و ترجمه ادبی و همچنین مباحث معرفت‌شناختی درباره رشته مطالعات ترجمه از منظری تاریخی نگاشته شده‌است، اما تا آغاز قرن بیست و یکم تاریخ ترجمه هرگز به‌مثابه یک موضوع پژوهشی مستقل مطرح نبود و به ترجمه به‌مثابه یک رویداد تاریخی و اجتماعی، فارغ از رابطه زبان‌شناختی با متن اصلی، پرداخته نمی‌شد.

به‌زعم هرمانز تاریخ به گذشته، درک ما از گذشته و شرحی که بر اساس درک ما از گذشته است اطلاق می‌شود و تاریخ‌نگاری یعنی ارائه شرحی مکتوب بر اساس درکی که از گذشته داریم. هنگام نوشتن و مطالعه تاریخ اگرچه با گذشته سروکار داریم اما گذشته را از پشت لنز مفاهیم امروزی و از منظری کنونی می‌بینیم.

هرمانز در این کتاب ارتباط بین تاریخ و ترجمه را بررسی می‌کند و درباره مسائل روش‌شناختی و مفاهیم بنیادینی که برای مطالعه این ارتباط لازم است بحث می‌کند. این کار مستلزم دو چیز است: یکی مطالعه تاریخ ترجمه و دیگری مطالعه ترجمه به‌مثابه بخشی از تاریخ، یعنی مطالعه ترجمه‌ها در بافت تاریخی‌شان و در تعامل با آن بافت. کتاب حاضر همچنین به مفاهیم و اصولی می‌پردازد که مورد بحث تاریخ‌نگاران حرفه‌ایست و به کار

تاریخ‌نگاران حوزه ترجمه نیز می‌آید. از این منظر کتاب حاضر مفاهیم کلیدی و پیشرفت‌های تازه هر دو حوزه تاریخ و ترجمه را در اختیار پژوهشگران قرار داده، ارتباط پیچیده بین آنها را می‌کاود و راهنمایی روش‌شناختی ارائه می‌کند. هرمانز در پیشگفتار کتاب این پرسش را مطرح می‌کند: «ضرورت خواندن تاریخ ترجمه چیست؟ او سپس هفت دلیل برمی‌شمرد:

(۱) اکنون ما از دل گذشته سربرکرده است. برای اینکه بدانیم چرا اکنون و اینجا ایستاده‌ایم، باید ببینیم چرا و چگونه در وضعیت کنونی قرار گرفته‌ایم. موقعیت کنونی ترجمه حاصل گذشته آن است.

(۲) در گذشته عمل ترجمه و نگاه به آن متفاوت از امروز بود. غور در گذشته پرده از شیوه‌ها، تفکرات، شرایط، پیش‌فرض‌ها و انگیزه‌هایی برمی‌دارد که از اساس با جهان امروز متفاوت است. شناخت چنین گنجینه‌ای بر عمق و پیچیدگی درک ما از ترجمه می‌افزاید.

(۳) گذشته، از آنجاکه متفاوت از امروز است، خزانه‌ای سرشار از امور پیش‌بینی نشده است. زیور و کردن اشیاء این خزانه و شعفی که حاصل از کشف این اشیاء است، نه تنها هیجان‌انگیز است، بلکه با خارج کردن ما از گوشه امن و آسایشمان ما را با دنیای جدیدی آشنا می‌کند و بینش ما را وسعت می‌بخشد.

(۴) گذشته توان این را دارد که اکنون را برهم بریزد. این واقعیت که ما در گذشته به ترجمه به شیوه‌ای متفاوت می‌اندیشیدیم و آن را به نحوی متفاوت انجام می‌دادیم موجب می‌شود که درباره آنچه که اکنون بدیهی می‌شماریم، تردید کنیم. این واقعیت باعث می‌شود که ببینیم مفاهیم و روش‌های کنونی ما محصول دنیای پیرامون ماست و ازلی و ابدی نیستند.

(۵) عکس این مطلب نیز درست است. چه بسا که مفاهیم و واژگان معاصر ما در نشان دادن یگانگی رویدادهای تاریخی حق مطلب را ادا نکنند، و همین باعث می‌شود که ما به ابزارهای مفهومی که برای درک دنیاهای دوردست به کار می‌گیریم، با دیدی انتقادی بنگریم.

(۶) پرداختن به مفاهیم و شیوه‌های گذشته ما را در ارزیابی مسائل کنونی و یافتن راه‌حلی برای آنها کمک می‌کند چراکه با نگاه به گذشته می‌توان پیامد کنش‌ها را دید. بخش عظیمی از مطالعات تاریخی به پیامدهای ناخواسته کنش‌های گذشته می‌پردازد.

۷) از آنجاکه تا به امروز تاریخ ترجمه کتبی و شفاهی تنها به صورت بسته‌و‌گریخته بررسی شده، عرصه وسیعی برای انجام مطالعات تاریخی پیش‌روی ما قرار دارد که شایسته توجه است.

به‌زعم هرمانز اگرچه برخی محققان حوزه ترجمه از جمله پل باندیا، آن مالنا و جودی واکابایاشی بر لزوم گوش‌دادن به حرف مورخان تأکید کرده‌اند، اما به‌جز تلاش‌های اندکی در زمینه تاریخ خرد و مطالعات حافظه، تاریخ‌نگاران ترجمه از پیشنهادهایی از این دست چندان استقبال نکرده‌اند. به همین دلیل هرمانز چهار فصل از شش فصل کتاب خود را به اندیشه‌ها و دل‌مشغولی‌های تاریخ‌نگاران اختصاص می‌دهد. اما تاریخ‌نگاران چه چیزی می‌توانند به دانشجویان ترجمه ارائه دهند؟ به‌زعم هرمانز چهار چیز: تأملات فلسفی و نظری درباره ماهیت تاریخ و دانش تاریخی؛ تأمل درباره انواع مختلف تاریخ از جمله مطالعات حافظه یا تاریخ مفاهیم؛ تأملات روش‌شناختی درباره پژوهش تاریخی و نوشتن تاریخ؛ و کاربردهای عملی بینش تاریخی. هرمانز معتقد است همان‌طور که تاریخ‌نگاران می‌توانند به محققان ترجمه کمک کنند، محققان ترجمه نیز چیزی برای ارائه به تاریخ‌نگاران دارند، به‌ویژه با تأکید بر جنبه‌هایی از تاریخ که همواره از سوی تاریخ‌نگاران مورد غفلت قرار گرفته است. محققان ترجمه می‌توانند نشان دهند که هر برشی از تاریخ دارای بُعدی فرازبانی است و مهم‌تر از همه می‌توانند درک خود را از مسائل بین‌فرهنگی و بین‌زبانی وارد پژوهش‌های تاریخی کنند.

کتاب حاضر مشتمل بر شش فصل است: (۱) داستان‌ها و تاریخ‌ها؛ (۲) تاریخ ترجمه؛ (۳) مسئله مقیاس؛ (۴) مفاهیم؛ (۵) حافظه؛ (۶) ترجمه به‌مثابه تاریخ. در فصل اول، «داستان‌ها و تاریخ‌ها»، هرمانز به اصول اولیه می‌پردازد. این فصل با مطالعه‌ای موردی شروع می‌شود. هرمانز بر اساس این مطالعه موردی طیف وسیعی از آراء را در خصوص تفاوت بین مستندات و سوابق تاریخی موجود در آرشیو و داستان‌هایی که مورخان بر اساس آن سوابق بیان می‌کنند، می‌کاود. در واقع هرمانز بحث خود را با توسل به رویکرد روایت‌گرایانه هیدن وایت به تاریخ‌نگاری پیش می‌برد. مطالعه موردی هرمانز درباره کشیش مبلغی به نام توماس بریجز (حدود ۱۸۴۲-۹۸)، است که در تیرا دل فونگو و بین مردم یامانا خدمت می‌کرده است. هرمانز مطالعه موردی خود را در قالب سه داستان بیان می‌کند. در داستان اول نشان می‌دهد که بریجز چگونه کتاب مقدس را ترجمه و یک فرهنگ لغت ایجاد کرده است. همچنین به شرح مشکلات زبانی و فرهنگی که بریجز در کارش با آن مواجه شده است می‌پردازد. در داستان دوم، به شرح مواجهه افراد دیگری از جمله داورین با مردم یامانا می‌پردازد و به دیدگاه

نژادپرستانه آنها درباره مردم بومی اشاره می‌کند. در داستان سوم می‌بینیم که بریجز هم‌زمان با کار تبلیغی خود به مطالعه فرهنگ و زبان بومیان می‌پردازد و آنها را به پوشیدن لباس عادت می‌دهد. لباس‌هایی که به گفته پل هیادس، پزشکی فرانسوی که از آن منطقه دیدن کرده بود، موجب انتقال بیماری‌هایی از اروپا به این منطقه شده بود و مرگ‌ومیر بسیاری به همراه داشت. در واقع هدف هرمانز از نقل این سه داستان مقدمه‌چینی برای معرفی مفهوم روایت و شالوده‌های آن در بخش بعدی فصل اول است. در این بخش که عنوان آن «روایت» است، هرمانز تاریخ را به کیکی تشبیه می‌کند که می‌توان آن را به شیوه‌های مختلفی برش داد. به زعم هرمانز در مقام تاریخ‌نگار می‌توانیم بر یک منطقه جغرافیایی بزرگ یا کوچک تمرکز کنیم، می‌توانیم مطالعه خود را بر روی یک شخص یا شیء متمرکز کنیم یا گروه‌هایی از افراد فعال در حوزه‌های وسیعی مانند اقتصاد، سیاست، مذهب، علم، هنر را بررسی کنیم. می‌توانیم وجودهای انتزاعی از جمله ایده‌ها و مفاهیم را ردیابی کنیم. می‌توانیم از منظر کسانی که در رأس سلسله‌مراتب اجتماعی هستند یا از دیدگاه افراد پایین این سلسله به مسائل نگاه کنیم. می‌توانیم یک مقطع را در یک لحظه خاص یا در مدتی طولانی‌تر بررسی کنیم.

هرمانز در ادامه فصل اول ابتدا به اجزای اصلی روایت می‌پردازد و سپس دیدگاه‌های هیدن وایت، مورخ آمریکایی، را درباره شکل دادن به برشی از گذشته به‌عنوان یک روایت تاریخی می‌کاود. هرمانز به تاسی از وایت می‌گوید که وجه مشترک همه تاریخ‌ها این است که داستانی را روایت می‌کنند و این به این دلیل است که تاریخ مستلزم تغییر است و گزارش تغییر ناگزیر شامل روایت است. روایت ساختار خاصی دارد، یعنی دارای آغاز و انجام و همچنین شخصیت‌ها و وقایع خاصی است. روایت تاریخی برعکس خود تاریخ که آغاز و انجامی ندارد، دارای نقطه آغاز و پایان است و مورخ از میان بازیگران و رویدادهای تاریخی دست به انتخاب می‌زند و همین باعث می‌شود که شرح تاریخی به‌ناچار از ساختار روایت تأثیر پذیرد. گزینش مورخ از بین رویدادها و شخصیت‌های مؤثر در یک رویداد تاریخی و همچنین پلاتی که برای بیان توالی رویدادها می‌سازد باعث می‌شود که رویدادها در یک خط داستانی معنادار و قابل فهم ارائه شوند. از آنجاکه طبق نظر وایت، روایت تاریخی در واقع تفسیر مورخ از گذشته است، پس ما با تفسیرها و روایت‌های متعددی از رویدادها روبه‌رو هستیم، روایت‌هایی که هیچ کدام لزوماً کل داستان را تعریف نمی‌کنند و تنها داستان ممکن نیستند. سؤالی که هرمانز در ادامه مطرح می‌کند این است که در صورت پذیرش این دیدگاه، تکلیف حقیقت تاریخی چه می‌شود، چراکه بدون شک در گذشته وقایع به شکل مشخصی اتفاق افتاده‌اند، و نه به شکل و صورتی دیگر و اینکه آیا این وظیفه مورخ نیست که گذشته را دقیقاً به همان صورت

که اتفاق افتاده توصیف کند؟ هرمانز در پاسخ به این پرسش می‌گوید که همان‌طور که وایت قاطعانه بیان می‌کند واقعیت گذشته به‌هیچ‌وجه مورد تردید نیست و شواهد مادی و سوابق تاریخی را باید محترم شمرد. با این حال، وایت همچنین اشاره می‌کند که روایت مورخ بیش از آنکه درباره اتفاقات گذشته باشد، درباره معنای آن اتفاقات است و فرایند معناسازی از سوی مورخ متأثر است از زمان و مکانی که در درون آن قرار دارد. هرمانز در بخش پایانی این فصل تحولات پس از وایت، از جمله تلاش‌ها برای پیشبرد دیدگاه‌های او تا سرحد ممکن و مقاومت مداوم در برابر آنها، را نشان می‌دهد.

نویسنده در فصل دوم کتاب به تاریخ ترجمه می‌پردازد و مفاهیمی را که در فصل قبلی با استفاده از داستان‌های نقل شده بیان کرده بود، بر اساس مسائلی از جمله دوره‌بندی و انتخاب فضای جغرافیایی برای نوشتن تاریخ ترجمه توسعه می‌دهد. نویسنده همچنین به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که چه چیزی باعث می‌شود که عمل ترجمه در طول زمان تغییر کند و اینکه چگونه می‌توانیم به گفتمان‌های تاریخی درباره ترجمه نزدیک شویم. به باور هرمانز بررسی زمینه و بافت تاریخی برای تاریخ‌نگاری ترجمه حیاتی است، چراکه کلمات نگاشته‌شده بر صفحه به‌خودی‌خود و خارج از بافت چیزی درباره ترجمه به ما نمی‌گویند. موضوعات کلیدی مورد بحث در این فصل عبارت‌اند از هدف پروژه تاریخی، این واقعیت که تاریخ و ترجمه نیازی به انحصار و یا مخالفت باهم ندارند، و اینکه سؤالات تحقیق باید به پاسخ‌های مبتنی بر شواهد منتهی شوند و موضوعاتی با اهمیت اجتماعی را در بر گیرند. هرمانز در این فصل نمونه‌های مفیدی از ابزارهای موجود، مانند پایگاه‌های اطلاعاتی و وب‌سایت‌ها را ارائه می‌کند. به‌گفته هرمانز هنگام نوشتن تاریخ باید آگاهانه دست به دوره‌بندی زد و اشکالات بالقوه در دوره‌بندی‌های گسترده‌ای از جمله دوره‌بندی‌های مبتنی بر تغییر سلسله‌ها، سلطنت‌ها، تاریخ‌های ملی، تغییرات تکنولوژیکی، یا نسل‌ها را لحاظ کرد و از نظر مکانی نیز باید از میان تاریخ‌های منطقه‌ای، ملی، فراملی یا جهانی انتخاب کرد. هرمانز خاطرنشان می‌کند که اغلب دولت مدرن حالت پیش فرض است، اما لازم است که دولت‌های چندزبانه با طیفی از زبان‌های رسمی را نیز در نظر گرفت. از نظر هرمانز اگرچه ترسیم ناهمگونی دشوار است، اما در نظر گرفتن پویایی تغییرات امری ضروری است و اگرچه برخی از ترجمه‌ها مسیرهای جدیدی ایجاد می‌کنند، اما اکثر آنها نماینده ذائقه دوران خود هستند و مورخ ترجمه باید از متغیرهای تاریخ‌نگاری از جمله موقعیت مترجمان آگاه باشد.

نویسنده در فصل‌های سوم، چهارم و پنجم به انواع خاصی از تاریخ پرداخته و بنابراین در این سه فصل نیز مانند فصل اول از تاریخ‌نگاران وام گرفته است. حوزه‌های مختلف تاریخی

که در این سه فصل بررسی شده همگی در دهه‌های اخیر سمت و سوی فرافرهنگی به خود گرفته‌اند و در طول مسیر با ترجمه برخورد کرده‌اند.

فصل سوم به «مسئله مقیاس» در انواع مختلف تاریخ می‌پردازد که از تاریخ خُرد شروع می‌شود و به تاریخ‌های فراملی و جهانی ختم می‌شود. به گفته هرمانز نقطه اشتراک تاریخ خُرد با تاریخ از پایین این است که هر دو می‌کوشند تا به افراد با موقعیت اجتماعی پایین صدایی ببخشند. تاریخ خُرد در دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد و پس از ۳۰ سال که متوجه وجود آن شدند، واکنش مطلوبی از سوی محققان ترجمه دریافت کرد. همان‌طور که از نام آن پیداست، ویژگی متمایز تاریخ خُرد این است که به تاریخ در مقیاس کوچک می‌پردازد و معمولاً شامل یک مطالعه موردی محدود است. ازین رو به‌زعم هرمانز جای تعجب نیست که تاریخ خُرد برای دانشجویان ترجمه مسیر جذابی بوده است. مترجمان کتبی و شفاهی معمولاً از آن دسته چهره‌های متواضع یا حاشیه‌ای هستند که مورد علاقه تاریخ‌نگاران خُرد هستند و چه‌بسا که محققان پرداختن به این میانجی‌گران نادیده‌گرفته‌شده و شیوه‌های فراموش‌شده آنان را مفید بدانند. از نظر هرمانز، تاریخ خُرد همچنین قالب مناسبی برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری و سایر پروژه‌های تحقیقاتی که محدودیت زمانی و بودجه دارند فراهم می‌آورد. هرمانز در ادامه به مشکلات تاریخ‌نگاری خُرد می‌پردازد. از جمله اینکه پیدا کردن موارد جزئی و حاشیه‌ای در آرشیوها و سایر منابع اولیه دشوار است، چراکه مستندات موجود در آرشیوها معمولاً در مورد چیز دیگری هستند و بر این اساس سازماندهی می‌شوند. مسئله مهم دیگری که هرمانز به آن اشاره می‌کند این است که بیشتر تاریخ‌های خُرد مطالعات موردی هستند و مطالعات موردی تاریخی معمولاً اجازه تعمیم نمی‌دهند. به گفته هرمانز اگرچه تعمیم و زمینه‌سازی همواره مستلزم کلان روایت‌ها، درجاتی از انتزاع و توسل به ساختارهای فراگیری است که ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های ویژگی‌های خاص رویدادها و مفاهیم را تهدید می‌کند، با این حال، اگر بخواهیم تاریخ خُرد از حد حکایت بالاتر برود، نمی‌توان به‌طور کلی از تعمیم اجتناب کرد. برای حل این معضل، رابرت دارنتون بر نیاز به رفت و برگشت بین متون و زمینه‌ها تأکید می‌کند. به باور هرمانز علی‌رغم نگرانی‌هایی که درخصوص بازنمایی و تعمیم در تاریخ‌نگاری خُرد وجود دارد، این نوع تاریخ چیزهای زیادی برای ارائه به مورخان ترجمه دارد. هرمانز در ادامه به وسعت یافتن مقیاس مطالعات تاریخی در دهه ۱۹۹۰ اشاره می‌کند. در این دهه، گرایش‌های تاریخ‌نگاری جدیدی پدیدار شد که تحت عناوینی چون تاریخ فراملی، تاریخ فرافرهنگی، تاریخ جهانی، تاریخ جهان و تاریخ درهم‌تنیده (یا مرتبط) شناخته شدند. این گرایش‌ها از این نظر که بیشتر بر چه چیزی تأکید می‌کنند باهم تفاوت دارند، اما

نقاط مشترک بسیاری نیز دارند. از جمله نقاط مشترک این گرایش‌های تاریخی با تاریخ خُرد، نگاه از پایین و علاقه به چهره‌های حاشیه‌ای است، اما در عین حال این گرایش‌ها مدارهایی با گستره جغرافیایی وسیع‌تر را در بر می‌گیرند. تاریخ فراملی، فرافرهنگی و جهانی در درجه اول به «گردش کالاها، فناوری و فرهنگ و نقش آن در ایجاد مدرنیته» می‌پردازد. در ادامه این فصل همچنین یک بخش فرعی به «درهم‌تنیدگی‌ها» اختصاص داده شده است که به *L'histoire croisée* یا «تاریخ درهم‌تنیده» می‌پردازد. این نوع تاریخ باعث پیدایش نظریه شبکه کنشگران شده است که ارتباطات را ردیابی می‌کند و جهان غیرانسانی را هم‌تراز با کنشگران انسانی نشان می‌دهد. در این رویکردها محققان ترجمه را به معنایی غیرزبانی در نظر می‌گیرند و بر روی روابط و فرآیندها، تعاملات، تقاطع‌ها، شبکه‌ها، گره‌ها و شبکه‌های روابط، از جمله روابط محقق تمرکز می‌کنند. در نتیجه، معیارهای مختلفی برای دوره‌بندی تاریخ جهان بیان می‌شود و بر تعاملات بین‌فرهنگی تأکید می‌شود. در این فصل با توجه به جهانی‌شدن و قدرت محاسباتی پیشرفته در دنیای معاصر اظهارنظرهای مختصری در مورد کار با داده‌های بزرگ نیز صورت گرفته است.

نویسنده در فصل چهارم کتاب به مفاهیم و تاریخ مفاهیم می‌پردازد. او داستان خود را از مفهوم دموکراسی در آتن قرن پنجم قبل از میلاد شروع می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه مفهوم دموکراسی از آن زمان تا اوایل دوران مدرن در اروپا دستخوش تغییرات معنایی بسیاری شده است و مترجمان چگونه مفروضات خود را بر این مفهوم بار کرده‌اند. به گفته هرمانز مفاهیم در شرایطی خاص پدیدار می‌شوند و با تغییر شرایط، مفاهیم نیز دستخوش تغییر می‌شوند. در واقع مفاهیم با انتقال از نسلی به نسل دیگر یا از زبانی به زبان دیگر جهش می‌یابند و صرفاً بازتاب‌دهنده وضعیت امور نیستند، بلکه آنها را مشروع جلوه داده و مجوز عمل صادر می‌کنند. چنانچه گروه خاصی بخواهد جهان‌بینی خود را به دیگران تحمیل کند، مفاهیمی را که با آن جهان‌بینی مطابقت دارد، رواج می‌دهد. درگیری‌های خشونت‌آمیز هیچ‌وقت خالی از جنگ کلمات نیست و هدف نهایی این جنگ انحصار مفهومی است. تبلیغات از جمله شیوه‌هایی است که هدف آن پرکردن ذهن مردم با مفاهیمی خاص و حذف مفاهیم دیگر است. به زعم هرمانز از آنجاکه فرهنگ‌های مختلف مجموعه مفاهیم متفاوتی را توسعه می‌دهند، چه‌بسا که هنگام ترجمه، واژگان زبان مقصد بر مفاهیمی دلالت کنند که متفاوت از مفاهیم موردنظر در متن اصلی باشد. تغییر مفاهیم از فرهنگی به فرهنگی دیگر و یا از زمانی به زمان دیگر می‌تواند موضوع بررسی تاریخ مفاهیم باشد، یا آنچه که از آن به‌عنوان تاریخ نظرات، تاریخ مفهومی و تاریخ اندیشه نیز یاد می‌شود. تاریخ مفاهیم با تحول مفاهیم

و کلماتی که برای اشاره به آنها به کار می‌رود سروکار دارد و این تحولات را در بافت اجتماعی و سیاسی دنبال می‌کند، به طوری که می‌توان گفت تاریخ‌نگاران مفهومی عمدتاً به گفتمان سیاسی علاقه‌مند بوده‌اند. هرمانز در ادامه این فصل راینهارت کوسلک و کوئنتین اسکینر، بنیانگذاران تاریخ مفهومی مدرن را معرفی می‌کند و به بررسی چرخش فرافرهنگی در تاریخ مفهومی می‌پردازد.

فصل پنجم درباره حافظه است، یا گذشته‌ای که به زمان حال آورده شده است. حافظه گذشته را برمی‌گرداند. تاریخ نیز گذشته‌ای است که در یاد مانده و در زمان حال بیان می‌شود. بیشتر تاریخ‌نگاران درگیر معانی اسنادی هستند که گذشتگان از خود به جای گذاشته‌اند و تفاسیر خود را در قالب روایت‌های تاریخی می‌نویسند. اما عمل به خاطر سپردن خود نیز شایسته توجه است، چراکه گذشته را به زمان حال می‌کشاند و ما را از معنایی که گذشته برای حال دارد آگاه می‌کند. به این معنا، حافظه را می‌توان تاریخی دانست که به طور فعال به یاد آورده می‌شود. مطالعات حافظه درباره نوعی از به یاد آوردن است که در آن گذشته در زمان حال زنده نگه داشته می‌شود. حافظه بسیار گزینشی عمل می‌کند و متأثر از عاطفه است. در بیشتر موارد، حافظه واقعاً به جزئیات اتفاق افتاده یا دقت یادآوری کاری ندارد و در عوض، به ما می‌گوید که گذشته چگونه تجربه شده است. برخی از خاطرات ممکن است چنان آسیب‌زا باشند که افراد دست به سرکوب آنها بزنند. نخبگان حاکم نیز، به نوبه خود، ممکن است به دنبال سرکوب خاطراتی باشند که با دستور کار آنها سازگار نیست. مطالعات حافظه ما را در برابر این افراط‌ها قرار می‌دهد. در عین حال، هم افراد و هم گروه‌ها ممکن است احساس کنند که گذشته‌شان آن‌گونه که به یاد می‌آورند، آنها را به آنچه هستند تبدیل کرده است. به این معنا، حافظه را معمولاً سازنده هویت تلقی می‌کنند. مطالعات حافظه که به صورت شاخه‌ای از مطالعات تاریخی در اواخر قرن گذشته ظهور کرد، هم به عمل یادآوری و هم به بازنمایی گذشته توجه دارد و از این منظر آشکارا با تاریخ همپوشانی دارد. اما یک تفاوت نیز وجود دارد. مطالعات حافظه به اهمیت گذشته برای حال علاقه‌مند است. در بازنمایی گذشته، گذشته بازنمایی شده مهم نیست؛ بلکه آنچه این بازنمایی درباره حال به ما می‌گوید مهم است. به زعم هرمانز یک نقطه اشتراک آشکار بین حافظه و ترجمه وجود دارد، از این رو که ترجمه، گفتمان‌های از پیش موجود را به زمان حال می‌کشاند. فاصله زمانی بین متن پایه و ترجمه آن ممکن است بر حسب ثانیه، مانند ترجمه هم‌زمان، یا بر حسب قرن شمارش شود. هر چه این شکاف بیشتر باشد، بیشتر مشخص می‌شود که ترجمه عملی است برای یادآوری گذشته به منظور استفاده مجدد از آن در زمان حال و برای حال. به گفته هرمانز، علی‌رغم تشابهاتی

از این دست، مطالعات حافظه، مانند سایر شاخه‌های مطالعات تاریخی، اخیراً به ترجمه توجه نشان داده است. هرمانز در ادامه این فصل، ابتدا به مبانی مطالعات حافظه و سپس به دیدگاه‌های فراهنگی و مسائل ترجمه می‌پردازد. مطالعات حافظه نیز، مانند سایر اشکال مطالعه تاریخی، از مسیر ملی به مسیر فراملی رسیده است.

عنوان فصل ششم «ترجمه به مثابه تاریخ» است و به لایه‌های زمانی و چگونگی تاریخی‌سازی ترجمه‌ها می‌پردازد. هرمانز برای نشان دادن فاصله بین نویسنده و خواننده به پل ریکور و مفهوم استقلال معنایی او اشاره می‌کند و بین بیان و قصد نویسنده تمایز قائل می‌شود. این مسئله زمینه را برای تاریخی‌سازی ترجمه‌ها فراهم می‌کند، چراکه ترجمه از متن مبدأ فاصله دارد، فاصله‌ای که درباره متن مبدأ و پژوهشگر بیشتر هم هست. ازین رو، خواندن ترجمه‌ها هم مستلزم مطالعه ردپا و ردیابی لایه‌های زمانی است و هم مستلزم پاسخ‌دادن به این پرسش که آیا متون به مسائل جاری می‌پردازند یا نه. هرمانز هشت نوع مختلف ردیابی را فهرست می‌کند: روابط با متن مبدأ؛ ترجمه‌های پیشین؛ کاربرد زبان دریافت‌کننده؛ بینامتنیت؛ تجربه یا دانش مترجمان؛ نگرش مترجمان؛ شرایط کاری مترجمان؛ و فشار از سوی نهادهای کنترل‌کننده. هرمانز هنگام بررسی موارد فوق، به برخی از نمونه‌های فصل‌های پیشین اشاره می‌کند تا تصویری روشن از ردپاهای مختلف به دست دهد. این فصل با بحث مفصلی درباره ترجمه به مثابه مداخله به پایان می‌رسد.

کتاب تاریخ و ترجمه با تأکید بر روش‌شناسی، نحوه انجام تحقیق در تاریخ ترجمه و نحوه نگارش تاریخ، کتابی ضروری برای همه دوره‌های تاریخ ترجمه و هر کسی است که در زمینه تاریخ ترجمه کار می‌کند.

¹ Hermans, T. (2022). *Translation and History: A Textbook*. Taylor & Francis.